

با هر یک که حق او است حاصل کند و بعضی ان عمل نماید
 با خالق بطاعت و طلب مناسبت با او بوجه قربت و با
 پیغمبران و ائمه اهل بیت با تقیاد احکام و مراعات تعظیم و حرمت
 و با سلاطین با جلال و مظلومیت و با والدین با ابرام و خدمت
 و با هر یک از اخا و ناس بر وفق و مخالفت و حکاکت اند محبت منعم
 منعم علیه را بیشتر است از عکس بر قرض دهنده و احسان کننده
 قرضخواه و خواهنده را دوست دارند بر بقای ایشان بر صرف
 دارند اما قرض دهنده چون از جهت استخلاص حق خود سلا
 قرضخواه خواهد بجهت مال خود دوست داشته باشد بخلاف
 محبت محسن الیه را که بی توقع منفعتی دوست دارد بلکه
 از آن جهت که قابل از خیر او است و محسن الیه را این نوع محبت این
 نباشد بلکه از لذات احسان زاده دوست و محسن را بالعرض و
 محسن بی در ایصال نفع محسن الیه نوده پس شپه یکی است که
 بمنقت و تقب حاصل کرده باشد هر این او را دوست دارد
 و در صرف آن صرف رعایت نماید و خلاف کسی که بی مشقتی

از پدر

باورسد که قدر آن نماند و در بدل آن احتیاط مرغی ندارد و لذات
 فرزند را دوست دارد و از پدر چه مقاسات رنج و تعب و تربیت
 او بیشتر نموده و هم ازین سیاق که شاعر شعر خود را آورده
 دارد و اعجاب و ابان پیش از دیگران باشد و چون محسن الیه
 قابلیت او را یقینی در قبول نیست لا محاله محبت او محسن
 در غیرت نباشد پس بنا برین مقدمات محبت محسن الیه را
 بیشتر از عکس باشد و بهتر از انواع محبت است که منشأ
 آن محبت خیر و کمال حقیق باشد که آن لذت عقلیت و متعلق
 بچون نفس بعوارض و از پنجه است که قواعد این محبت
 از وصحت اختلال الیه و محفوظ است سعایت نیمه را
 بساحت آن ای نیست بخلاف انواع دیگر محبت که بزوال
 سبب زایل شود چنانچه مضمون کرمه الا خلاه یومئذ
 بعضهم لبعض عدو الا المتقون مشعر برانست و این
 لذت وقتی حاصل شود که از انساب ملکات فاضله فایز
 گردد و نفس خود پر دازد و میان او و عالم عقلی حجاب بین